

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کبیر توخی

۱۱ اگست ۲۰۱۵

## کوتاه سخنی در مورد فاتحه گیری ملا عمر

رفیق اندیشمند و مبارز ما ، ب [سان سایر نگاهشته های پرمحتوا و دشمن کوبش بحث فاتحه گیری ملا محمد عمر ] کسی که توسط سازمان های اطلاعاتی خدایان سرمایه جهانی ساخته و تمویل شده و در کارگاهی به نام هیچستان که دستان کاردانش به خون هزاران هموطنان ما آغشته است [ را باز نموده نکاتی بسم مهمی را مطرح نموده و اساس بحث پکرش را بر محور آن گسترانیده است ، که در خور توجه و تمجید می باشد .

بگذار بگویم اگر زندگی و نابسامانی هایش مجال درنگ بر این رویداد به ظاهر بی اهمیت را برای ما میسر نساخت که مقاله ای در این رابطه ( یعنی در ارتباط به تبعیض و تمایز در تدویر و تنظیم مجلس فاتحه گیری برای ملا محمد عمر که به کشته شدن عده ای در ولایت غزنی انجامید) بنویسم ؛ ولی خوشنودم که این رفیق با شهامت ما این موضوع را زودتر بیان نمود وبا دلایلی موجه و منطقی گوهر سخنش را به نگین نگاهشته اش نشاناند . چیزی از دید ذره شمار وی به دور نماند که این قلم آن را از زوایای ناپیدای این بحث به روشنی کشیده نوشته ام را بر بنیاد آن شکل دهم . با آنهم نکاتی برای خاطر نشان ساختن دارم تا مبادا کس و یا کسانی از این نوشته عامدانه برداشت نمایند که توخی از ملا محمد عمر طرفداری کرده ... .

بگذار دو نکته مهم را به سبب حمایت از نوشته رفیق مبارز و متبحر(عزیز نعیمی ) در رابطه با پشتیبانی وی از برگزاری مراسم فاتحه داری برای ملا محمد عمر در ذیل تذکر دهم :

نکته اول :

نفرت و انزجار ما و به طور اخص نفرت رحیمه توخی و این قلم از حیوانات درنده ای در شکل و شمایل گلبدین ، ربانی - مسعود ، مزاری ، محقق ، خلیلی ، محسنی ، سیاف ، دوستم ، قسیم فهیم ، ملا محمد عمر و امثالشان حد و مرزی نمی شناسد . بی تبختر روشن فکرانه و فروتنانه باید بنویسم نخستین فردی بودم که در رابطه باطالب تحت عنوان «مدافعان قلم به دست طالب در تقابل با مدارک» رساله ای نوشتم (۱) که در ماه قوس ۱۳۷۷ مطابق ۱۹۹۸ در نشریه «پیام زن» و بسا نشرات و سایت ها نشر شد .

نکته دوم - :

من و رحیمه توخی بر مبنای بینش ما از جهان عینی و باورهایمان به ( م . ل . ا . ) ده ها بار در نوشته ها و سروده هایمان ادیان ، به خصوص دین اسلام را به صراحت به نقد کشیده رد کرده ایم . چند سال قبل طی نوشته ای در

رابطه با دفن یک تن از دانشمندان نامور و مبارز کشور (زننده یاد داکتر صاعد) رحیمه توخی ، کبیر توخی و رفیق علی مشرف اعلام نمودیم که بعد از مرگ جسد مان سوزانده شود .

بار دوم همچنان این خواست در نوشته اداره پورتال تاریخ ۳۰ سپتمبر ۲۰۱۴ تحت عنوان « تابو شکنی پورتال و انشقاق هواداران و همکاران قلمی پورتال » (۲) نیز آشکار بیان شده است :

« ... همکاران قلمی ما علی مشرف ، کبیر توخی و خانم رحیمه توخی برای اولین بار در تاریخ ۱۴۰۰ ساله ای که کشور ما تحت سیطره اسلام قرار دارد تابو شکنی نموده با صراحت کامل اعلام داشتند که بعد از مرگ جسد آنها سوزانده شود و در بیان این فرصت نه از سنن حاکم هراسی به دل راه دادند و نه هم از مذهب و قداره بندانش ... »

حال مختصراً می نویسم تدویر مراسم جنازه و برگزاری فاتحه خوانی وقتا که برای همدریفان ملا محمد عمر ( مثل گلبدین ، ربانی - مسعود ، مزاری ، محقق ، خلیلی ، محسنی ، سیاف ، دوستم ، قسیم فهیم ، و امثالشان ) گرفته می شود که تخریبات ، آتش زدن ها ، سرقت ها ، رهنی ها ، جور و چپاول ها ، و تاراج های مال مردم و اولاد شان ، مزدوری و جاسوسی برای پاکستان ، ایران ، عربستان و امریکا و... ، انتقال دار و ندار مردم (حتا استخوان مرده های مردم کابل) به پاکستان ؛ آنقدر ابعاد و گستره جنایات این ها زیاد است که در فهم نگنجد ؛ با آنهم می شود به یک تخمین مقرون به حقیقت بسنده نموده ابراز نمائیم : از صد در صد آنهمه جنایاتی که جهادی ها مرتکب شده اند ؛ طالبان شاید بیشتر از ۵۰ در صد آن را انجام نداده باشند . در چنین صورت این جنایتکاران و دولت استعماری چطور به خودشان حق می دهند که برگزار کنندگان فاتحه برای ملا عمر را در غزنی به قتل برسانند . اینها هیچ کدام از مردم نبوده ؛ بل دشمنان آستی ناپذیر مردم و کشور اند و چنین حقی را ندارند . در صورتی که دولت مردمی در کشور بر قرار می بود آنگاه مسأله ماهیتاً فرق می کرد . در برابر تصمیم دولت مردمی هیچ کسی حق مخالفت نداشت .

ما به تمام مخالفان و دشمنان اعم از آستی ناپذیر و استی پذیر خود حق میدهم که برای مرده هایشان مراسم دلخواه شان را برگزار نمایند . این حق مسلم در اصل حق طبیعی هرانسان است که طبق خواستش جسد وی را دفن نمایند یا بسوزانند و یا برایش مراسمی که اصول دین و آئینش خواستار آنست ؛ برگزار نمایند .

[۱]

<http://www.afgazad.com/Ketabxaneh/032113-KT-Mdafaane-Qalam-Ba-Daste-Talib-Ketaab.pdf>

[۲]

<http://afgazad.com/Siaasy-2015/080715-AN-Haatam-Bakhshi-Hien-Yaad-dehaani.pdf>